

ژاله آموزگار: آذری ام، اما غیرت زبان فارسی را دارم



ژاله آموزگار، پژوهشگر برجسته آذری، از اهمیت زبان فارسی و غیرت خود به آن گفت.

عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی در آیین گشایش سی و ششمین المپیاد ملی ادبی که در فرهنگستان برگزار شد، اظهار کرد: آنچه امروز مرا به شما پیوند می دهد، زبان فارسی است. بدون شک ما ایرانی‌ها باید به ادبیات فارسی بیابیم. این سخن را کسی امروز به شما می‌گوید که با زبان و ادبیات دیگر کشورها آشناست و عمرش را صرف زبان و ادب فارسی کرده‌است. او ادامه داد: در ایران اقوام مختلفی زندگی می‌کنند و هر قومی گویش خاص خود را دارد و حلقه اتصال همه اقوام ایرانی، زبان فارسی است. ما یک ملت هستیم، ملتی که از اقوام مختلف با زبان‌ها و گویش‌های مختلف دور هم جمع شده‌ایم.

آموزگار بیان کرد: براساس تحقیقات، نزدیک به شش هزار زبان در جهان وجود داشته است و بسیاری از این زبان‌ها در گذر زمان از بین رفته‌اند. زبانی که چیزی از خود ندارد دیگر زبان‌ها آن را می‌بلعند. اما زبان فارسی گنجینه عظیمی در دل خود جای داده است و هیچ زبانی یارای این را ندارد که این زبان را ببلعد. من آذری هستم، اما غیرت زبان فارسی را دارم.

او گفت: زبان‌های قومی همه سر جای خود ارزشمند هستند، گرد باید گردی یاد بگیرد، آذربایجانی باید ترکی یاد بگیرد. اما همه ما یک زبان مشترک داریم و آن زبانی است که فردوسی با آن شاهنامه را سروده است. ما هنوز شعرهای فردوسی را می‌فهمیم، برخی این را عیب می‌دانند و می‌گویند چرا زبان ما زبان کهن مانده است.

این پژوهشگر برجسته فرهنگ و زبان‌های باستانی ادامه داد: برای اینکه وقتی فارسی دری آغاز می‌شود، ما دوره‌های مختلف را گذرانده‌ایم. یعنی از باستان به میانه رسیدیم، یعنی وقتی فردوسی شروع به سرودن شاهنامه می‌کند، زبان سخته و درست است. برای اینکه زبان به اوج خود رسیده است. قدیمی‌ترین شعرها به این زبان در کاته‌هاست. به این زبان فلسفه گفته شده است. اجداد ما آدم‌های اندیشمندی بوده‌اند، این نبوده که فقط اسب بتازند و بروند جایی را بگیرند.

تمدید مهلت ارسال اثر به

مسابقه داستان نویسی «خودنویسی»



مهلت ارسال اثر به چهارمین دوره مسابقه داستان نویسی «خودنویس» با موضوع عزت ملی تمدید شد. به گزارش اینبا، انتشارات صاد چهارمین دوره مسابقه خودنویس را با محورهای خودباوری و خوداتکایی، شاددت و شجاعت اقوام ایرانی، اقتدار و امنیت، قهرمان پروری و الگوسازی (بزرگان علمی، نظامی، دینی، ورزشی، اقتصادی، فرهنگی وطن) برگزار می‌کند. بخش ویژه این دوره نیز به «زنان بزرگ تاریخ ایران، اختصاص دارد و شرکت کنندگان دارای حداکثر سن ۳۰سال می توانند در این مسابقه شرکت کنند. طبق آیین نامه مسابقه، آثار ارسالی باید بین ۶۰۰ تا ۱۲۰۰ واژه باشد و شرکت کنندگان نباید در حوزه ادبیات داستانی اثر مستقل منتشر کرده باشند. پیش از این مهلت ارسال آثار به دبیرخانه مسابقه، ۱۴تیر بود و اکنون این فرصت تمدید شده است و علاقه مندان می توانند تا ۲۸ مردادماه آثار خود را به نشانی info@saadpub.ir بفرستند.

زین قنبر

علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

حرم امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) در جشن غدیر امسال؛میزبان بیش از ۳میلیون زائر از کشورهای مختلف بود.

نکته

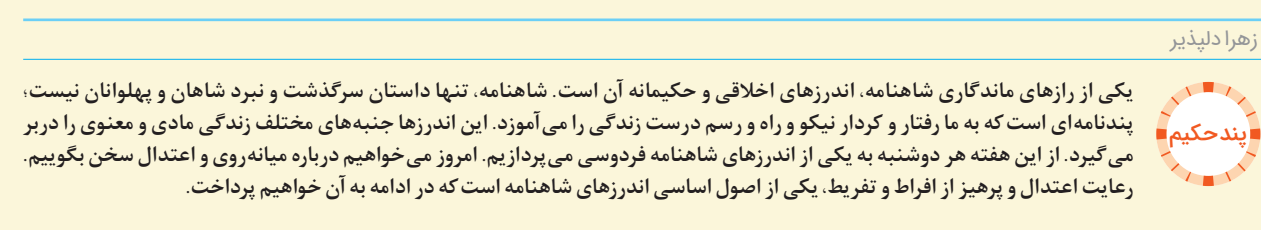
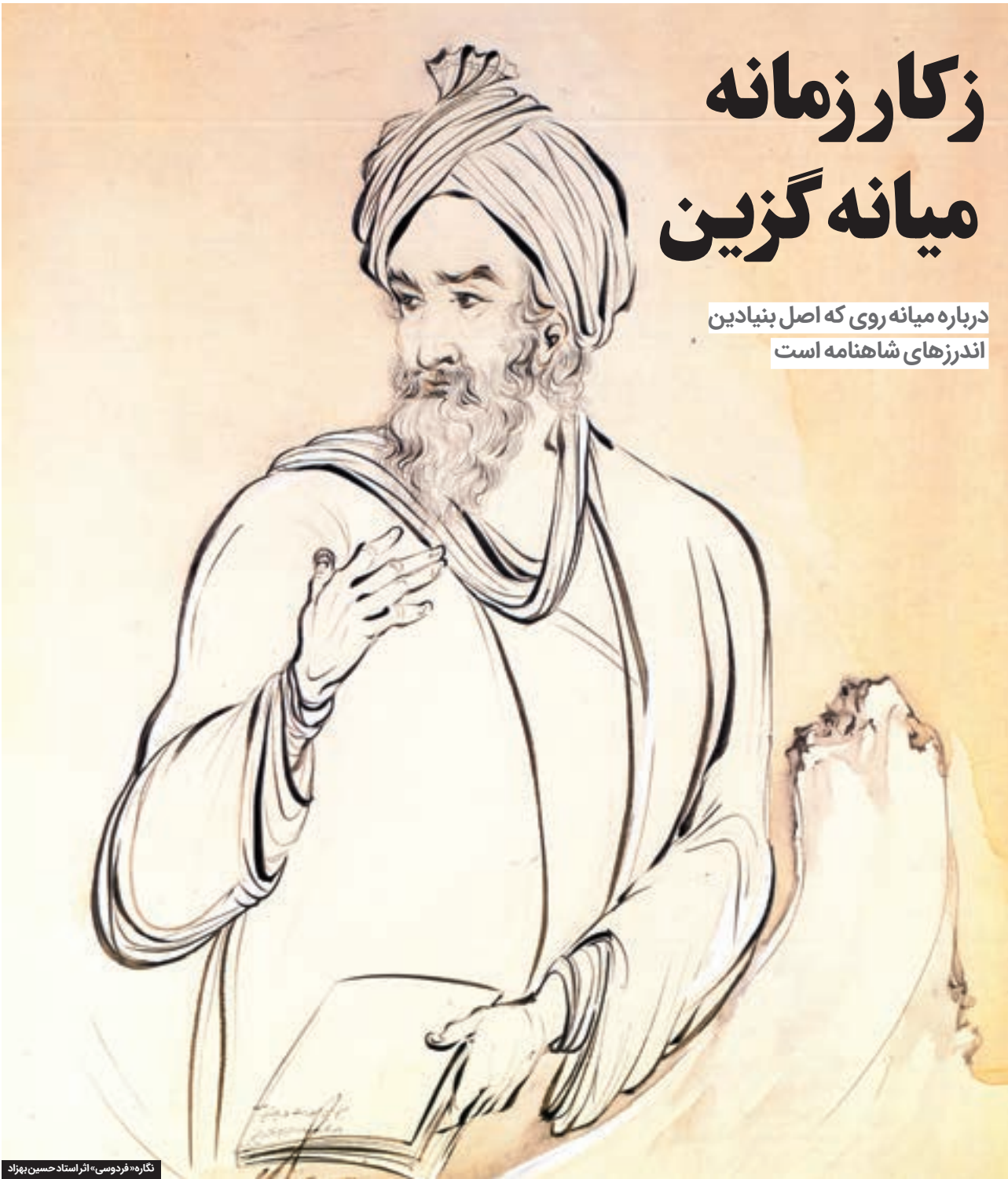
در ویراست پیشین «دستور خط فارسی»،ابن وبن نیم فاصله و به صورت «علی ابن/ علی بن» پیشنهاد شده بود؛ولی در ویراست جدیدبه صورت«علی ابن/ علی بن،و با فاصله آمده است.

#زین-قد پارسی

زکار زمانه میانه گزین

درباره میانه روی اصل بنیادین

اندرزهای شاهنامه است



● **میانه روی؛** اصل بنیادین زندگی فردوسی در جای جای کتاب خود میانه روی را می ستاید و افراط و تفریط را اعمالی اهریمنی می داند. در بخش اساطیری شاهنامه، فریدون برای آزمودن کاردانی پسران خود،به شکل اژدهایی دمان بر آن‌ها ظاهر می‌شود. تور، بزرگ‌ترین فرزند او که نماد تفریط و کوتاهی در انجام کار است،از جنگ می‌گریزد. سلم افراط می‌کند و آماده رزم با اژدها می‌شود. ایرج که کوچک‌ترین و داناترین فرزند فریدون است، به تعبیر شاعر، راهی میانه شتاب و درنگ را برمی‌گزیند و سعی می‌کند اژدها را با گفت‌وگو آرام کند. فریدون پس از این آزمون، ایرج را برنده نهایی اعلام می‌کند؛ دگر گهترین، مرد با سنگ و چنگ که هم با شتابست و هم با درنگ ز خاک و ز آتش میانه‌گزید چنان کز ره هوشیاری سزید اردشیر در اندرز به ایرانیان، میانه‌روی در کارها را سبب پایداری و پاکیزه‌رایی انسان می‌داند:

فرشته الهام در کتاب فروشی

نگاهی به کتاب «ذُن در هنر نویسندگی» نوشته ری برادبری

نشست وباشک و عرق وعشق وباشکبیایی آبیاری اش کرد، تا ثمر بدهد، و آنچه این رنج راه دشوار را آسان و تحمل پذیر می سازد (و یا باید بسازد) «عشق» است. چارلی چاپلین یک نما از فیلم «روشنایی‌های شهر» را طی مدتی حدود یک سال، یک صدوسی و دو بار تکرار کرد تامطابق دلخواهش درآمد.تولستوی کتاب هیولای جنگ و صلح» را هفت بار سراسر بازنویسی کرد. آقای جلال خالقی مطلق و همکارانشان در مجموع حدود ۵۰سال (نیم قرن) بر سر تصحیح «شاهنامه» کار کردند (بیشت سالی بیش از خود فردوسی!) و این حدیث درباره آفریننده‌های بزرگ جهان،دراز است. «بیس‌تون را عشق کند...» (.... و شهرتش فرهاد برد)،

اماخودنویسنده،ری برادبری، دراین کتاب به جز آنچه در آغاز این مطلب آوردیم،چه می‌گوید؟در بخشی از آن باعنوان «اندرآداب نگهداری ازفرشته الهام» آمده است: [...] «در نهایت، برای نگهداری از فرشته الهام، باید از زمان کودکی مدام تشنه زیستن بوده باشید،وگرنه در سنین بالا برای شروع کردن قدری دیراست. البته،دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن است. همتش را دارید؟اگر داریدمعنی اش آن است که بایدبش‌ب‌هاگرداگردشهر یا شهرک محل زندگی تان و روزها در طبیعت گسترده به گردش‌های طولانی بروید و نیز در هر زمانی [از

میانه‌گزینی، بمانی به جای

خرمند خواندت پاکیزه رای!

اسراف وزیاده‌روی نیزبارها نکوهش شده‌است. شاپور شاپور (شاپور سوم) در خطابه تاج گذاری خود، پس از ستایش بخشندگی و گشاده‌دستی، مرد لاف زن و اسراف‌کار را نکوهش و فرد میانه‌رو را تحسین می‌کند:

دو گیتی بیاید دل مرد راد

نباشد دل سفله از روز شاد

ز تنگی بماند همان مرد لاف

که پیرا کند خواسته بر گراف!

ستوده کسی کو میانه‌گزید

تن خویش را آفرین گسترید!

بزرگمهر در اولین نشست خود با موبدان دربار انوشیروان، درباره رعایت میانه‌روی در دخل وخرج و هزینه‌های زندگی می‌گوید:

چو داری به دست اندرون خواسته

زر و سیم و اسبان آراسته

هزینه چنان کن که بایدت کرد

بکاهد به گفتار خویش آبروی!

● **میانه روی و خرد**

در شاهنامه، میانه‌گزینی با خرد ارتباط مستقیمی دارد و در ابیات مختلف، میانه‌روی نشانه خرد انسان دانسته شده است. اورمزد در بستر مرگ، فرزندش بهرام را به‌گزینش راه درست و خردمندانه که همان میانه‌گزینی است دعوت می‌کند. او از یک سو بهرام را از خشم و شتاب در کارها برحذر می‌دارد و از سوی دیگر بردهاری بیش از اندازه را نشانه ضعف و سستی انسان می‌داند:

ز راه خرد هیچ گونه متاب!

پشیمانی آرد دلت را شتاب!

درنگ آورد راستی‌ها پدید

ز راه خرد سر نباید کشید!

سر بُردباران نتاید به خشم

ز نابودنی‌ها بخوابید چشم!

وُگر بردهاری ز حد بگذرد

دلاور گمانی به سستی برد!

او در پایان اندرزهای خود، بار دیگر به نقش خرد در یافتن راه میانه تأکید می‌کند:

هر آنکس که باشد خداوند گاه

میانجی خرد را کند بر دو راه

نه تیزی، نه شستی به کار اندرون

خرد باد جان ترا رهنمون!

حتی معیار سخن گفتن واندیشیدن درست،استفاده از خرد است. اورمزد به فرزندش بهرام چنین وصیت می‌کند:

زبان و دلت با خرد راست کن

همی‌ران از آن سان که خواهی سخن!

هر آنکس که اندر سرش مغز بود

همه رای و گفتار او نغز بود!

● **میانه‌روی و دادگری**

ارزش و اهمیت میانه‌روی در شاهنامه تا آنجاست که هم‌معنا و برابر با عدل و داد دانسته‌شده‌است. انسان دادگر کسی است که هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهد و از زیاده‌روی پرهیز می‌کند. بهرام بهرام هنگام تاج گذاری می‌گوید: اگر می‌خواهی مردم تو را به دلیل داشتن عدل و داد ستایش کنند و از تو خشنود باشند، در کارها میانه‌روی را رعایت کن. در این صورت، خودت نیز توانگر و شاد خواهی شد:

ز کار زمانه میانه‌گزین

چو خواهی که یابی به داد آفرین!

چو خشنود داری جهان را به داد

توانگر بمانی و از داد شاد!

حتی دادگری نیز باید به اندازه و بدون کم‌وکاست باشد، چنان‌که بهرام در ادامه سخنان خود می‌گوید:

همه ایمنی باید و راستی

نباید به داداندرون کاستی!

در جای دیگر از این کتاب آمده است:

کز اندازه دادت همی بگذرد

ازین خامشی خنج کفر برد

همه‌کار گیتی به اندازه به!

دل شاه ز اندازه‌ها تازه به!

گفتنی است فردوسی در شاهنامه برای بیان مفهوم اعتدال در کارها، معمولاً از واژه‌های میانه و میانه‌گزینی استفاده می‌کند اما در اندرزهای داستان نوشین روان که مربوط به بخش تاریخی شاهنامه است، برای بیان این مفهوم از واژه پیمان استفاده شده است. پیمان در زبان پهلوی به معنی نگه داشتن اندازه و اعتدال در کارهاست و کاربرد این واژه در شاهنامه نشان می‌دهد فردوسی در این بخش از کتاب خود تحت تأثیر منابع پهلوی بوده است. برای نمونه بوزرجمهر در گفت‌وگو با نوشین روان، مرد پیمان منش (میانه‌رو) را کسی می‌داند که از گناه و ناراستی دوری می‌کند و حتی در برآوردن نیازهای تن و جان خود اعتدال را رعایت می‌کند:

خُکد در جهان مرد پیمان منش

که پاکی و شرم‌ست پیراهنش

چو جانش تنش را نگهبان بود

همه زندگانش آسان بود!

بماند کنون رادی و راستی

نکوبد در کُزی و کاستی!

شب یا روز] در کتاب فروشی‌ها و کتابخانه‌ها در حال خوراک رساندن به فرشته الهام باشید. فرشته الهام باید شکل پیدا کند. روزی هزار کلمه به مدت بیست سال چیز نوشتن تلاشی است برای شکل بخشیدن به او. اصول دستور زبان و ساختمان قصه را آموختن، جوری که این آموخته‌ها ملکه ضمیر ناخودآگاهتان شود. بی‌آنکه فرشته الهام راز بار داری یا گزومژ و دگرگون سازد. با خوب و درست زیستن و با مشاهده در حال زیستن، با خوب خواندن و در حال خواندن مشاهده کردن به فرشته الهامتان خوراک می‌رسانید. باتمرین‌های مکرر در نوشتن و با تقلید از نمونه‌های خوب، مکانی پاکیزه و نورگیر خواهید ساخت تا در آن از فرشته الهام خود نگهداری کنید.

به فرشته الهام جا داده‌اید برای چرخیدن وبالیدن باتمرین‌های بدون زور و فشار خود را چنان تعلیم داده‌اید که وقتی فرشته الهام وارد اتقان می‌شود جا نخورد و بیش زل نزیند. به این ترتیب یاد گرفته‌اید که همان لحظه بروید سراغ قلم و کاغذ و با ضبط لحظه الهام آن را تا ابد حفظ کنید.»

«ذُن در هنر نویسندگی» را مؤسسه فرهنگی هنری جهان کتاب در ۱۱۰ صفحه مستشر ساخته است.

